

بررسی تاثیر حق الزحمه حسابرسی بر دسترسی تامین مالی

سعید اکبریور

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران. (نویسنده مسئول).

Sakbarpour80@gmail.com

محمد رضا همدانلو

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد بستان آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، بستان آباد، ایران.

mhamedanlou@gmail.com

علی تیرآبادی

کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی - بازاریابی، موسسه آموزش عالی میزان، تبریز، ایران.

alextab2687@yahoo.com

چکیده

فرآیند حسابرسی نقش اصلی را در گزارشگری مالی ایفا می‌کند، زیرا قابلیت اطمینان، اعتبار و کیفیت کلی اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد. بنابراین، گزارشگری مالی برای ارزیابی اعتباردهندگان از توانایی شرکت در بازپرداخت بدهی‌هایش اهمیت اولیه دارد. بنابراین، حسابرسی با کیفیت بالا شک و تردید را کاهش می‌دهد، اعتماد ارائه دهندگان سرمایه را به صورت‌های مالی ایجاد می‌کند و دسترسی شرکت‌ها به امور مالی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از این رو با توجه به مطالب فوق این تحقیق به دنبال بررسی این موضوع است که آیا حق الزحمه حسابرسی بر دسترسی تامین مالی تاثیر دارد؟ همچنین قلمرو زمانی شامل ۱۰ سال متوالی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ با نمونه مشتمل بر ۱۱۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره و داده‌های ترکیبی به تخمین آزمون فرضیه‌ها پرداخته شد. نتایج یافته‌ها نشان داد که حق الزحمه حسابرسی بر دسترسی تامین مالی تاثیر معنادار و معکوسی دارد.

واژگان کلیدی: حق الزحمه حسابرسی، دسترسی تامین مالی، محدودیت مالی.

مقدمه

فرآیند حسابرسی نقش اصلی را در گزارشگری مالی ایفا می‌کند، زیرا قابلیت اطمینان، اعتبار و کیفیت کلی اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد (الزویی^۱، ۲۰۱۸). بنابراین، گزارشگری مالی برای ارزیابی اعتباردهندگان از توانایی شرکت در بازپرداخت بدهی‌هایش اهمیت اولیه دارد (فرانسیس و همکاران^۲، ۲۰۰۵). بنابراین، حسابرسی با کیفیت بالا شک و تردید را کاهش می‌دهد، اعتماد ارائه دهندگان سرمایه را به صورت‌های مالی ایجاد می‌کند (تسیپوریدو و اسپاتیس^۳، ۲۰۱۲؛ ایتزیدیس^۴، ۲۰۱۳)، و دسترسی شرکت‌ها به امور مالی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، هزینه‌های غیرحسابرسی به دلیل اثرات سرریز دانش و کیفیت بالای سیستم حسابداری یک شرکت نشان دهنده کیفیت بالاتر حسابداری است. در این مقاله، رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و دسترسی به منابع مالی را که توسط محدودیت‌های سرمایه شرکت‌ها مشخص می‌شود، بررسی می‌شود.

¹ Alzoubi

² Francis et al

³ Tsipouridou & Spathis

⁴ Iatridis

اگرچه مطالعات قبلی نشان می‌دهد که کیفیت حسابداری توانایی شرکت‌ها را برای دسترسی به منابع مالی در کشورهای توسعه‌یافته بهبود می‌بخشد، بررسی این موضوع در زمینه هند با ارائه شواهدی از یک محیط تجربی که به طرق مختلف با کشورهای دیگر متفاوت است، به ادبیات موجود می‌افزاید. اول، حاکمیت شرکتی نقش اصلی را در کمک به شرکت‌ها برای کاهش هزینه سرمایه مالی ایفا می‌کند. شرکت‌ها نیاز به تامین مالی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خود دارند و این نقش به طور قابل توجهی در کشورهای در حال توسعه رشد کرده است. با این حال، شرکت‌های هندی حاکمیت شرکتی محدودی را نشان می‌دهند. پویایی فرهنگ و حاکمیت شرکتی در هند مبهم است و در زمینه معاملات با اشخاص مرتبط، اقدامات مروجین و سهامداران بزرگ و نامزدی، مشورت و اثربخشی هیئت مدیره، درگیری وجود دارد. دوم، هند با مکانیسم‌های حمایت از سرمایه‌گذار ناکافی مشخص می‌شود، همانطور که در موارد ارائه نادرست توسط واسطه‌ها و موسسات، تجارت داخلی و کلاهبرداری مشهود است. سوم، کیفیت حسابداری یک نگرانی مهم در هند است، به ویژه با توجه به نقش آنها در اعتبارسنجی اعتماد استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی. اگرچه تلاش حسابداری (با حق الزحمه حسابداری به عنوان نماینده) در هند بالا است، کیفیت خدمات حسابداری ارائه شده، حتی توسط ۴ شرکت بزرگ حسابداری، تردیدهای جدی را ایجاد کرده است (جاشی و همکاران^۱، ۲۰۱۵). چاکرابارتی^۲ (۲۰۰۵) نیز به همین ترتیب دریافت که جریمه‌های اعمال شده توسط سازمان‌های حسابداری حرفه‌ای ناکارآمد هستند. سرانجام، گوپتا، سالتر و لوئیس^۳ (۲۰۱۹) نشان می‌دهند که حسابداران هندی از نظر ارزش‌های حسابداری فرهنگی گری^۴ (۱۹۸۸) محافظه‌کارتر از هم‌تایان آمریکایی خود هستند. شغل حسابداری و کیفیت خدمات حسابداری می‌تواند در هند در مقابل غرب به دلیل تفاوت‌های فرهنگی آنها متفاوت باشد. از این نظر، درک دیدگاه‌های ارائه‌دهندگان سرمایه در مورد کیفیت حسابداری در فرهنگ هند بسیار مهم است.

مطالعات بسیار زیادی در زمینه عوامل موثر بر حق الزحمه حسابداری انجام شده است که هر کدام به بررسی جنبه‌های خاصی از آن پرداخته‌اند، امام مهمترین مطالعه‌ی که در این زمینه انجام شده و به دلیل پشتوانه نظری آن اساس سایر مطالعات قرار گرفته، مطالعه سایمونیک^۵ (۱۹۸۰) است. در مطالعه وی حق الزحمه حسابداری وابسته به نرخ هر ساعت کار حسابداری و تعداد ساعات کار حسابداری است که بسته به نظر حسابداری درباره پیش بینی ریسک خطا و اشتباه در صورت‌های مالی متغیر است. وجود کنترل‌های قوی در شرکت، حسن شهرت مدیران، اندازه شرکت مورد رسیدگی و تعداد شرکت‌های فرعی بر پیش بینی حسابداری از ریسک و ساعات مورد نیاز برای حسابداری تاثیر می‌گذارد. در نهایت حسابداری به برآورد ریسکی می‌پردازد که از تمرکز مدیریت، شدت وجود مسئله نمایندگی و سایر عوامل نشئت می‌گیرد و با توجه به آن، کار حسابداری را برنامه ریزی کرده و حق الزحمه خود را تعیین می‌کند. هپ (۲۰۱۰) بیان کرد که شدت مسئله نمایندگی، باعث افزایش ساعات کار حسابداری می‌شود. سرمایه‌گذاران از شرکت‌های که در ساختار مالکیت آنها نشانه‌هایی از مسئله نمایندگی به چشم می‌خورد، انتظار دارند حسابداران با کیفیت تری را استخدام بکنند. از سوی دیگر مدیریت برای جلب رضایت بازار سرمایه، اقدام به استخدام حسابداران خوش نام می‌کنند (یونسی مطیع، ۱۳۹۵).

یک انگیزه برای انجام مطالعات پیرامون حق الزحمه حسابداری نگرانی از این امر است که موسسات حسابداری بزرگتر در نتیجه قدرت انحصاری، حق الزحمه حسابداری بیشتری را مطالبه می‌نمایند. این موضوع بطور ضمنی بر کیفیت حسابداری دلالت دارد زیرا فرض بر آن است که حسابداری انحصاری تعداد تقاضاهای حسابداری مستقل را کاهش می‌دهد و نهایتاً این امر به کیفیت حسابداری پایین‌تر، و سیستم‌های مالی پرهزینه‌تر منجر می‌گردد اما بطور کلی، وجود

¹ Joshy et al

² Chakrabarti

³ Gupta, Salter, and Lewis

⁴ Gray

⁵ Simunic

رابطه ی مثبت بین کیفیت حسابرسی و حق الزحمه های حسابرس با نظریه پردازی اکثر پژوهشگران اثبات شده است یعنی اگر موسسات حسابرسی بزرگتر حق الزحمه حسابرسی بیشتری دریافت می نمایند، این امر کیفیت بالاتر خدمات حسابرسی آنها را بازتاب می دهد. سیمونیچ (۱۹۸۰) با تکیه بر داده های یک مطالعه پرسشکاوای که در ارتباط با حق الزحمه های ۳۰۷ موسسه حسابرسی انجام شد، کوشید تا بین نظریه های متفاوتی که قیمت گذاری صاحبکار از خدمات حسابرسی موسسات دارای نام تجاری را تبیین می کند، تمایز قائل شود. در راستای کنترل مقدار عرضه ی حسابرسی، وی بیان می کند که موسسات دارای نام تجاری (به استثنای یکی از آنها) واقعا حق الزحمه های حسابرسی کمتری را می گیرند. یافته های سیمونیچ درجه ی اقتصادی تجربه ی موسسات بزرگتر و موسساتی را که قادر به صرفه جویی های هزینه به صاحبکاران می باشد، بیان می کند. مطالعات بعدی از یافته های سیمونیچ حمایت نکردند. مثلا فرانسیس، تافلر و رامالینگام (۱۹۸۲) نشان داده اند درجه ی اقتصادی می تواند به بازار آمریکا یعنی جای که درصد بیشتر شرکتها به وسیله ی موسسات دارای نام تجاری حسابرسی می شوند محدود گردد. پالمروس (۱۹۸۸) بدرستی دریافت که موسسات دارای نام تجاری حق الزحمه های حسابرسی بیشتری را دریافت می نمایند. یافته های وی مشخص میکند که ساعات و حق الزحمه های حسابرسی متناسب با اندازه موسسات حسابرسی افزایش می یابد. او می گوید که افزایش ساعات حسابرسی شده توسط حسابرسان دارای نام تجاری فعالیت های مولدتری (کسب شوهده بیشتر) را برای ارائه سطوح بالاتر تضمین کیفیت (کیفیت بالاتر) به صاحبکاران در پی دارد. فرانسیس و سیمونیچ (۱۹۸۷) تصور می کنند که استفاده از مدل های متفاوت، تعریف های جایگزینی از صاحبکاران موسسات کوچک، و داده ها مربوط به دوره های زمانی متفاوت، سبب تناقض در نتایج مطالعات متفاوت شده است. برای مثال آنان بیان می کنند که یافته های سیمونیچ (نه حاشیه قیمتی نام تجاری مشاهده شده) را میتوان با حضور صاحبکاران موسسات حسابرسی بزرگتر در نمونه آماری ایجاد کرد. بهن و همکاران (۱۹۹۹) احتمال عامل دیگر، رضایت صاحبکار، مشارکت در تفکیک حسابرس و بنابراین توجیه حق الزحمه حسابرس را کشف نموده اند. بررسی پرسش کاوی آنان مشخص می کند که رضایت صاحبکار از تیم حسابرسی، کنترل سایر عوامل مرتبط با حق الزحمه های حسابرسی مثل ویژگی های کیفیت حسابرسی، بطور مثبت با همبسته های حسابرسی همبسته است. این امر نشان می دهد که ترکیب تیم حسابرسی می تواند عامل مهمی در توانمندی حسابرسان دارای نام تجاری برای ارائه محصولات حسابرسی متفاوت باشد. همچنین این یافته ها آنان را به سوال درباره ی تناسب مدل های رقابتی کامل برای بازار خدمات حسابرسی رهنمون ساخت (نامنی، ۱۳۹۴).

فرایند سرمایه گذاری مستلزم تأمین مالی است و توانایی شرکت در تأمین منابع مالی، جهت سرمایه گذاری و تحصیل دارائی های مورد نیاز، از عوامل اصلی رشد و پیشرفت هر شرکت محسوب می شود. بدون دسترسی کافی به منابع مالی، توانایی و قدرت لازم برای ادامه یک فعالیت مالی کاهش یافته و پتانسیل رشد آن کم می شود. یکی از موارد مهم مورد توجه مدیران مالی بنگاه های اقتصادی، روشها و میزان تأمین منابع مالی است. شرکت ها به منظور اجرای طرح های سرمایه گذاری سودآور، پرداخت اصل و فرع بدهی ها، پرداخت سود به سهامداران و افزایش سرمایه در گردش به منابع مالی گوناگونی نیاز دارند که میتوانند این منابع را از طریق انتشار سهام جدید (از محل آورد نقدی و مطالبات) انتشار اوراق بهادار جدید، استقراض از بانک ها و عدم توزیع سود فراهم کنند، به سه روش اول تأمین مالی خارجی و روش آخر تأمین مالی داخلی گفته می شود. اعتباردهندگان نیز برای تصمیم گیری در مورد اعطای وام و میزان و شرایط پرداخت آن، به پیش بینی وضعیت آینده شرکت ها می پردازند تا با توجه به وضعیت پیش بینی شده توان بازپرداخت بدهی توسط شرکت را ارزیابی نمایند. بنابراین تغییرات فروش و رشد دارایی ها یا به عبارتی گردش نقدینگی بالاتری شرکت ها از اهمیت بالایی برخوردار است. ترکیب مناسب منابع مالی که میتواند منجر به دستیابی شرکت به سطح مطلوب ارزش شود، ساختار بهینه سرمایه نامیده میشود (فتحعلیان، ۱۳۹۱). اگر تمامی شرکت ها دسترسی یکسانی به بازارهای سرمایه

داشتند، نحوه تأمین مالی در رشد سرمایه گذاری آنهایی تاثیر بود. میزان سرمایه گذاری داخلی شرکت بیان کننده رشد شرکت (کارایی شرکت) است. منابع داخلی شامل وجوه نقد ایجاد شده حاصل از فعالیت های عملیاتی و غیر عملیاتی هستند. یکی از جنبه های رشد، رشد دارایی های شرکت است. از طرف دیگر وقتی محدودیتهای سرمایه گذاری خارجی برای یک شرکت کم می شود، دسترسی به منابع بانکی بیشتری می شود، منابع مالی داخلی نقش کمتری بر رشد شرکت خواهند داشت، در نتیجه شرکتها کمتر به منابع مالی داخلی روی می آورند و به سمت منابع مالی خارجی به عنوان منبع اصلی تأمین مالی خواهند رفت. بنابراین مسئله اولی که در این تحقیق به آن پرداخته خواهد شد، رابطه منابع مالی داخلی و خارجی با رشد شرکتها است (میرزابابی، ۱۳۹۵). به نظر می رسد که حسابرسی ریسک اطلاعات را برای تأمین کنندگان سرمایه کاهش می دهد زیرا به آنها اجازه می دهد اعتبار گزارش های مالی را تأیید کنند. حق الزحمه حسابرسی بالا به عنوان یک مکانیسم نظارتی قوی عمل می کند و به ارائه دهندگان سرمایه سیگنال می دهد که ممیزی های با کیفیت بالا انجام شده است، که به نوبه خود عدم تقارن اطلاعات را کاهش می دهد. چن و همکاران^۱ (۲۰۱۱) بیان می کنند که حسابرسی یک دستگاه نظارتی برای بهبود اطلاعات موجود در مورد عملکرد یک شرکت است. در واقع هدف از حسابرسی افزایش کیفیت اطلاعات از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین تأمین کنندگان سرمایه و شرکت ها است. هدف این تحقیق این است که بررسی کند که حق الزحمه حسابرسی چه تاثیری بر دسترسی تأمین مالی دارد؟

پیشینه تحقیق

فشکی و ترکاشوند (۱۴۰۱) به بررسی تاثیر کیفیت کارمندان حسابداری بر حق الزحمه و محتوای گزارش حسابرسی پرداختند. در این تحقیق تعداد ۱۱۸ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۲ بررسی شده است. جهت آزمون فرضیه ها از مدل رگرسیون پانلی و لجستیک استفاده شده، یافته های پژوهش نشان می دهد که کیفیت کارمندان حسابداری بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر منفی معنادار و بر نوع اظهار نظر تاثیر مثبت معنادار (جهت اظهار نظر به سمت مقبول) دارد نهایتاً کیفیت کارمندان حسابداری بر تعداد بندهای شرط تاثیر معناداری ندارد.

محمدی و همکاران (۱۴۰۰) تأثیر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد و با استفاده از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک، ۱۱۱ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و در دوره زمانی هفت ساله بین سال های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۸ مورد تحقیق و بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که ارتباط مثبتی بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی برقرار است بدین معنی که با افزایش پاداش مدیران، حق الزحمه حسابرسی افزایش خواهد یافت؛ علاوه بر این، حاکمیت شرکتی بر رابطه بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی تأثیرگذار است.

توسکی (۱۴۰۰) رابطه بین مالکیت مدیریتی، اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی را بررسی کرد. بر اساس روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۳۱ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب گردید. نتایج پژوهش نشان می دهد در شرکت هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه همگرایی قرار گرفته (در سطح ۵ تا ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، کیفیت حسابرسی کاهش می یابد. در شرکت هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام قرار گرفته (کمتر از ۵ درصد و یا بیشتر از ۲۰ درصد) بین مالکیت مدیریتی و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. در شرکت هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه همگرایی قرار گرفته (در سطح ۵ تا ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی کاهش می یابد. در شرکت هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام قرار گرفته

¹ Chen et al

(کمتر از ۵ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی کاهش می‌یابد. در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام قرار گرفته (بیشتر از ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد. یافته‌ها نشان می‌دهد میزان منافع مالکیت مدیریتی در یک شرکت می‌تواند بر انگیزه‌های مدیریت در مورد نوع و کیفیت حسابداری تأثیر بگذارد. این می‌تواند بر تمایل شرکت‌ها برای حسابرسی با کیفیت بالاتر و ارزیابی ریسک مشتری توسط حسابرسان تأثیر بگذارد.

زیوری و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی به بررسی موضوع مروری نظام مند بر عوامل موثر در دسترسی به تامین مالی فعالیت‌های کارآفرینی پرداختند. نتایج نشان داد که عوامل خارجی بررسی شده عبارت انداز: تمرکز در بخش بانکی، توسعه مالی، شرایط وام دهی (نرخ بهره، وثیقه و دوره بازپرداخت)، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، فساد، موقعیت جغرافیایی بنگاه و فقدان تقارن اطلاعات. عوامل داخلی نیز عبارت انداز: ویژگی‌های کارآفرینان (سن، جنسیت، تحصیلات، شبکه کارآفرینان و تجربه)، ویژگی‌های بنگاه (عمر و سابقه بنگاه، اندازه بنگاه، نوع بنگاه و دارایی‌های ملموس) و روش‌های مدیریت مالی بنگاه (اطلاعات مالی، طرح کسب و کار، بودجه بندی سرمایه‌ای و مدیریت سرمایه در گردش). نتایج حاصل از مطالعه حاضر، به سیاست‌گذاران این امکان را می‌دهد تا سیاست‌های مناسب را برای تسهیل دسترسی به منابع مالی کارآفرینان فراهم سازند و به کارآفرینان این امکان را می‌دهد تا نقاط ضعف و قوت خود را برای دسترسی به منابع مالی شناسایی کنند.

صمدی (۱۳۹۷) اثر عملکرد اجتماعی شرکت‌ها بر هزینه بدهی و دسترسی به تامین مالی از طریق بدهی در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داد. در این راستا سه فرضیه مطرح گردید و ارتباط بین متغیرها مورد ارزیابی قرار گرفت. برای آزمون فرضیات، اطلاعات لازم برای ۱۷۷ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۵ جمع‌آوری گردید. در این تحقیق متغیر هزینه بدهی با دو شاخص نرخ بهره و رتبه اعتباری و متغیر دسترسی به تامین مالی با شاخص اهرم مالی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل از تحقیق بیان می‌کند که بین عملکرد اجتماعی شرکت‌ها و نرخ بهره و اهرم مالی رابطه منفی و معنادار وجود دارد، در حالیکه بین عملکرد اجتماعی و رتبه اعتباری شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

کای و لی^۱ (۲۰۲۲) ثبات دوره تصدی مدیر عامل و مدیر ارشد مالی و حق الزحمه حسابرسی را بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که در صورتی که مدیر عامل و مدیر مالی دارای دوره تصدی یکسانی باشند، حق الزحمه حسابرسی شرکت افزایش می‌یابد، زیرا مدیر مالی دارای دوره تصدی یکسان با مدیر عامل شرکت، به احتمال زیاد با انگیزه مدیر عامل در مدیریت سود همکاری می‌کند و در نتیجه هزینه حسابرسی و ریسک حسابرسی را افزایش می‌دهد. شواهد بیشتر نشان می‌دهد که حسابرسان برای مشتریانی که در دوره تصدی مدیرعاملی CFO خود هستند، هزینه‌های حسابرسی بالاتری دریافت می‌کنند که تحلیلگران کمتری دنبال می‌کنند، رقابت جدی‌تر در بازار محصول، نسبت اعضای کمیته حسابرسی با تخصص مالی کمتر یا مدیران زن کمتر هیئت‌مدیره. علاوه بر این، موسسات حسابرسی بزرگ، هزینه‌های حسابرسی بیشتری را از شرکت‌هایی دریافت می‌کنند که در دوره تصدی مدیرعامل و مدیر ارشد مالی همسان هستند.

موهاپاترا و همکاران^۲ (۲۰۲۲) تأثیر مثبت بین‌المللی PCAOB بر کیفیت حسابرسی و حق الزحمه‌های حسابرسی: شواهدی از چین را مورد بررسی قرار دادند. علیرغم اهمیت مثبت نام در PCAOB، تحقیقات آکادمیک کمی در مورد فرآیند مثبت نام و تأثیر آن بر نتایج حسابرسی وجود دارد (آبرنائی و همکاران، ۲۰۱۳). PCAOB اجازه ثبت موسسات حسابرسی از کشورهای غیرآمریکایی را می‌دهد. با این حال، چین و چند کشور دیگر به PCAOB اجازه انجام بازرسی از

¹ Cai and Li

² Mohapatra et al

مؤسسات حسابرسی را نمی دهند. در این تحقیق از این تنظیمات برای بررسی اینکه آیا شرکت‌های حسابرسی ثبت شده در PCAOB کیفیت حسابرسی را در غیاب بازرسی بهبود می‌بخشند و اینکه آیا حق بیمه حق الزحمه حسابرسی دریافت می‌کنند یا خیر، استفاده می‌شود. یافته‌های ما نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی پس از ثبت PCAOB افزایش می‌یابد و مشتریان هزینه‌های حسابرسی بالاتری را برای ممیزی توسط شرکت‌های ثبت شده در PCAOB پرداخت می‌کنند. بلینا^۱ (۲۰۲۲) افزایش ضعف بااهمیت غافلگیرانه: تأثیرات بر حق الزحمه حسابرسی و تأخیر گزارش حسابرسی را بررسی کردند. تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که بسیاری از شرکت‌هایی که ضعف‌های مهم در کنترل داخلی (MWs) را افشا می‌کنند، چنین ضعف‌هایی را در پرونده‌های سه ماهه Q ۱۰ برای همان سال افشا نمی‌کنند. به عنوان مثال، افشای MW پایان سال، افشاهای غافلگیرانه هستند. در این تحقیق ابتدا با استفاده از داده‌های سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ نشان داده می‌شود که چنین مگاوای غافلگیرکننده‌ای همچنان اکثریت افشای مگاوای را تا سال ۲۰۱۹ تشکیل می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌های پرسرعت با MW های غافلگیرکننده هزینه‌های کمتری در مقایسه با شرکت‌هایی با مگاوای غیرمعجب پرداخت می‌کنند. با این حال، این یافته برای فیلرهای غیر تسریع شده صادق نیست. همچنین تفاوت قابل توجهی در تأخیر گزارش حسابرسی مربوط به افشاگران غافلگیرکننده و بدون غافلگیری وجود ندارد. بنابراین، حق الزحمه حسابرسی کمتری که توسط شرکت‌های افشای غافلگیرکننده MW پرداخت می‌شود، ممکن است توضیحی برای شیوع گسترده افشای غافلگیرکننده MW ارائه دهد. نتایج همچنین اهمیت حسابرسی خارجی را در افشای عمومی MW ها نشان می‌دهد. یافته‌ها با توجه به تلاش‌های مداوم برای گسترش مجموعه شرکت‌هایی که از تأیید حسابرسی کنترل‌های داخلی مستثنی هستند، با خط مشی عمومی مرتبط است.

الرشیدی و همکاران^۲ (۲۰۲۱) حق الزحمه های حسابرسی، حق الزحمه های غیر حسابرسی و دسترسی به منابع مالی: شواهدی از هند را بررسی کردند. این مقاله تأثیر حق الزحمه حسابرسی و غیرحسابرسی را بر توانایی شرکت‌ها برای دسترسی به منابع مالی با کاهش محدودیت‌های سرمایه‌شان بررسی می‌کند. برخلاف مطالعات قبلی که این پدیده را در اقتصادهای توسعه یافته بررسی می‌کردند، این مقاله بر یکی از بزرگترین اقتصادهای جهان، هرچند در حال توسعه، متمرکز است: هند. هند به دلیل نگرانی‌های عمده در مورد کیفیت خدمات حسابرسی ارائه شده، حتی توسط ۴ شرکت بزرگ حسابداری، یک محیط تجربی جالب است. به دنبال تئوری توجه محدود، ما استدلال می‌کنیم که در چنین تنظیماتی که اثر برجسته ۴ بزرگ محدود است، ارائه‌دهندگان سرمایه توجه خود را به هزینه‌هایی معطوف می‌کنند که به عنوان نماینده قابل اعتمادتری برای تلاش حسابرسی پرداخت می‌شوند. با استفاده از مجموعه داده‌ای از شرکت‌های هندی غیرمالی فهرست شده از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷، فرضیه می‌کنیم و به طور تجربی نشان می‌دهیم که هزینه‌های حسابرسی و غیرحسابرسی با محدودیت‌های مالی شرکت‌ها ارتباط منفی دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ارائه‌دهندگان امور مالی، حق الزحمه حسابرسی و غیرحسابرسی را سیگنال‌هایی از حسابرسی‌های باکیفیت می‌دانند که اعتبار صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد و به نوبه خود تأثیر مثبتی بر دسترسی شرکت‌ها به منابع مالی دارد. نتایج پس از یک باتری آزمایش استحکام بدون تغییر باقی ماندند.

بولارت و همکاران^۳ (۲۰۲۱) فین تک و دسترسی به تامین مالی را مورد بررسی قرار دادند. این مقاله تحقیقاتی را در مورد اثرات دیجیتالی شدن بر دسترسی به تامین مالی بررسی می‌کند. در این تحقیق بررسی روی دسترسی از طریق فین تک متمرکز می‌شود. در این تحقیق رشد سه فناوری اصلی فین تک، وام‌دهی فین تک (شامل وام‌دهی همتا به همتا)، تامین مالی جمعی و عرضه اولیه سکه بررسی می‌کنیم. ما در مورد شواهد موجود در مورد اینکه چگونه فین تک بر

¹ Belina

² Alrashidi

³ Bollaert et al

دسترسی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران به منابع مالی تأثیر می‌گذارد، بحث می‌شود و چالش‌های نظارتی را در نظر گرفته می‌شود. مقالات در این شماره ویژه گنجانده شده و بر سهم قابل توجه آنها در درک این تحقیق از دیجیتالی شدن تامین مالی و اثرات آن تأکید می‌شود. در نهایت، چالش‌های تحقیق در حوزه مالی دیجیتال را مورد بحث قرار می‌گیرد و راه‌های جدیدی را برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌شود.

فرضیه تحقیق

فرضیه اصلی: حق الزحمه حسابرسی بر دسترسی تامین مالی تاثیر معناداری دارد.

روش تحقیق

تحقیق مورد نظر بر اساس هدف که به دنبال پاسخگویی و ارائه راهکارها در جهت تصمیم‌گیری می‌باشد کاربردی می‌باشد. از طرفی دیگر با توجه به این که این تحقیق باعث شناخت بیشتر شرایط موجود شده و در آن رابطه بین متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد از نوع توصیفی همبستگی می‌باشد که تحقیق مورد بررسی از نوع تحلیل رگرسیون می‌باشد. داده‌های تحقیق حاضر از لوح‌های فشرده آرشيو آماری و تصویری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران و دیگر پایگاه‌های مرتبط نظیر کدال استخراج گردیده است. جامعه آماری تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. همچنین قلمرو زمانی شامل ۱۰ سال متوالی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ است که بررسی فرضیه‌های تحقیق با استفاده از داده‌های واقعی این سال‌ها انجام خواهد شد. که پس از اعمال محدودیت ۱۱۲ شرکت انتخاب گردید.

اندازه‌گیری متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش

متغیر مستقل: حق الزحمه حسابرسی

LN (AUDIT FEE): از لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی که به شرکت حسابرسی بابت خدماتش در طول سال i پرداخت می‌شود اندازه‌گیری می‌شود.

متغیر وابسته: دسترسی به تامین مالی

در این مطالعه، نماینده اصلی برای محدودیت‌های سرمایه، متغیر وابسته ما، شاخص KZ است که به طور گسترده در ادبیات موجود استفاده می‌شود (به عنوان مثال، لامونت و همکاران، ۲۰۰۱؛ باک و وایتد^۱، ۲۰۱۰؛ چنگ و همکاران، ۲۰۱۴). شاخص KZ توسط کاپلان و زینگالس^۲ (۱۹۹۷) توسعه داده شد و بر اساس ضرایب تخمینی یک مشخصات لجیت مرتب است که از اطلاعات حسابداری برای تخمین اینکه آیا یک شرکت با محدودیت‌های مالی مواجه است یا خیر، استفاده می‌کند. مطابق با رویکرد اتخاذ شده در ادبیات تجربی، از ضرایب رگرسیون برای ایجاد یک شاخص KZ برای هر مشاهده شرکت/سال، بر اساس ترکیب خطی پنج نسبت حسابداری استفاده می‌شود: جریان نقدی به کل سرمایه، ارزش بازار به ارزش دفتری، بدهی به کل سرمایه، سود سهام به کل سرمایه، و دارایی نقدی به سرمایه. رویکرد

¹ Bakke and Whited

² Kaplan and Zingales

بیکر و همکاران^۱ (۲۰۰۳) در این مقاله از طریق اعمال همان ضرایب دنبال شده است. ۴ مقدار شاخص با محدودیت های مالی افزایش می یابد (چنگ و همکاران، ۲۰۱۴).

متغیر کنترلی

جدول (۱): نحوه اندازه گیری متغیرهای کنترلی

نام اختصاری	نحوه محاسبه	نام متغیر
LEV	استقراضها تقسیم بر ارزش دفتری دارایی های شرکت	اهرم مالی شرکت (leverage)
SIZE	لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های شرکت	اندازه شرکت (size)
ROA	درآمد خالص تقسیم بر کل دارایی ها	قابلیت سودآوری دارایی های مشهود (profitability, tangible assets)
PPE	نسبت اموال، ماشین آلات و تجهیزات بر کل دارایی ها	دارایی های مشهود (Tangible assets)
growth	ارزش بازار سهام، تقسیم بر ارزش دفتری سهام	فرصت های رشد (growth opportunities)
CFOvol	انحراف معیار وجه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی (نسبت به سه سال قبل) تقسیم بر مجموع دارایی ها	نوسان وجه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی (the volatility of cash flow from operations)
CF	از تقسیم جریان نقد عملیاتی بر مجموع دارایی ها	جریان نقد عملیاتی

یافته های تحقیق توصیف آماری متغیرها

جدول (۲): شاخص های توصیفی متغیرها

انحراف معیار	کمترین	بیشترین	میانه	میانگین	
۱.۰۱	۳.۶۶	۱۱.۳۰	۷.۱۸	۷.۲۸	حق الزحمه حسابرسی
۲.۴۱	-۰.۵۴	۰.۴۸	-۰.۱۸	-۰.۱۵	دسترسی تامین مالی
۰.۱۴	-۰.۳۹	۰.۷۳	۰.۱۰	۰.۱۲	نسبت جریان نقد عملیاتی
۵.۱۳	۰.۷۲	۲۰.۸۲	۳.۵۵	۵.۴۳	فرصت رشد
۰.۱۹	۰.۲۳	۰.۹۲	۰.۵۹	۰.۵۸	اهرم مالی
۰.۰۵	۰.۰۰	۰.۳۷	۰.۰۵	۰.۰۶	نوسان وجه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی
۰.۱۴	-۰.۰۸	۰.۴۳	۰.۱۱	۰.۱۴	سودآوری
۱.۴۱	۱۲.۳۲	۱۷.۸۰	۱۴.۳۸	۱۴.۵۷	اندازه شرکت
۰.۱۸	۰.۰۰	۰.۹۷	۰.۲۰	۰.۲۴	دارایی مشهود

با نگاهی به جدول مشاهده می شود که میانه و میانگین متغیرها فاصله زیادی باهم ندارند و هر چه قدر به هم نزدیک باشد توزیع آن ها به توزیع نرمال نزدیک تر است. در بین متغیرها اندازه شرکت با مقدار (۱۴/۵۷) دارای بیشترین میانگین و

¹ Baker et al

متغیر ندرستی به تامین مالی با مقدار (۰/۱۵-) دارای کمترین میانگین است. با مقایسه انحراف معیار متغیرهای موردبررسی به این نتیجه می‌رسیم که متغیر نوسان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی با مقدار (۰/۰۵) نسبت به سایر متغیرها دارای کمترین پراکندگی است و متغیر فرصت رشد با مقدار (۵/۱۳) دارای بیشترین پراکندگی است و این بدان معناست که این متغیر نوسان‌های شدیدتری دارد است.

آزمون‌های ریشه واحد در داده‌های تابلویی

برای بررسی مانایی از آزمون ریشه‌ی واحد^۱ استفاده شده است.

جدول (۳): خلاصه نتایج آزمون ریشه‌ی واحد-آزمون لوین لین و چپو

نام متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
حق الزحمه حسابرسی	-۱۰/۲۱	۰/۰۰۰۰	مانا
نسبت جریان نقد عملیاتی	-۲۱/۹۴	۰/۰۰۰۰	مانا
فرصت رشد	-۱۳۶/۵۰	۰/۰۰۰۰	مانا
اهرم مالی	-۱۰/۰۴	۰/۰۰۰۰	مانا
نوسان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی	-۲۵/۱۶	۰/۰۰۰۰	مانا
سودآوری	-۸/۳۲	۰/۰۰۰۰	مانا
اندازه شرکت	-۳/۴۱	۰/۰۰۰۰	مانا (مرتبه اول)
دارایی مشهود	-۶/۳۲	۰/۰۰۰۰	مانا
گزارشگری پایداری شرکت	-۱۸/۵۱	۰/۰۰۰۰	مانا

با توجه به نتایج ۲ می‌توان گفت از آنجایی که احتمال‌های محاسبه شده در آزمون لوین لین و چپو کوچکتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرضیه صفر که مبنی بر وجود ریشه واحد برای متغیرها پذیرفته نمی‌شود و تمامی متغیرها مانا هستند.

آزمون ناهمسانی واریانس

برای آزمون ناهمسانی واریانس از آزمون وایت استفاده شده است.

جدول (۴): آزمون همسانی واریانس

آزمون وایت	مقدار آماره	سطح معنی‌داری	نتیجه
مدل اصلی تحقیق	۳/۲۶	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس

برای تخمین الگوهای اقتصادی، روش‌های متفاوتی وجود دارد. با لحاظ کردن فروض کلاسیک، روش حداقل مربعات معمولی (OLS) بر اساس قضیه گاوس-مارکف بهترین تخمین زننده خطی بدون تورش است؛ اما در صورت وجود ناهمسانی واریانس دیگر روش حداقل مربعات معمولی (OLS) روش مناسبی برای تخمین نیست که از این رو با وزن دادن (Cross-section weights) به رفع آن پرداخته و مدل مناسب برای تخمین آزمون فرضیه‌ها روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) خواهد بود.

انتخاب الگوی مناسب برای مدل رگرسیون

برای مشخص کردن نوع مدل در مقاطع و دوره‌های زمانی مختلف داده‌های ترکیبی از آزمون F مقید (چاو) استفاده شده است؛ که خروجی آزمون در جدول ۵ نشان داده شده است.

¹ Unit Root Test

جدول (۵): نتایج آزمون چاو (F مقید) در بررسی مدل فرضیات تحقیق

مدل	آماره F	p-value	نتیجه آزمون چاو	نوع آزمون
مدل اول	۷/۴۸	۰/۰۰۰۰	H ₀ رد می‌شود	داده‌های ترکیبی Panel date

نتایج خروجی آزمون F نشان می‌دهد فرضیه صفر مدل رد شده چون سطح معناداری کمتر از ۵ درصد به دست آمده و از میان طرح پنل یا رگرسیون تجمیع شده (تلفیقی) و پنل انتخاب می‌شود. همچنین برای انتخاب اثرات ثابت و اثرات تصادفی مدل از آزمون هاسمن استفاده شد. در صورتی سطح معناداری آزمون هاسمن بیشتر از ۵ درصد باشد مدل اثرات تصادفی و در صورتی که سطح معناداری آزمون هاسمن کمتر از ۵ درصد باشد مدل اثرات ثابت انتخاب می‌شود. خروجی آزمون هاسمن به شرح جدول ۶ می‌باشد.

جدول (۶): نتایج آزمون هاسمن در بررسی مدل فرضیات تحقیق

آزمون هاسمن	آماره	p-value	نتیجه آزمون هاسمن	نوع آزمون
مدل اول	۴۴/۶۹	۰/۰۰۰۰	H ₀ رد می‌شود	اثرات ثابت

بررسی آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: حق الزحمه حسابرسی بر دسترسی تامین مالی تاثیر معناداری دارد.

جدول (۷): نتایج تخمین فرضیه اصلی تحقیق

همخطی	سطح معناداری	آماره t	انحراف استاندارد ضرایب	ضرایب	++
-	۰.۰۲۸۰	-۲.۲۰۰۳۶۲	۰.۰۵۰۰۱۸	-۰.۱۱۰۰۵۸	عرض از مبدا
۱.۱۳۶۵۶۸	۰.۰۰۰۰	-۷.۴۸۷۹۱۳	۰.۰۰۲۵۴۸	-۰.۰۱۹۰۷۷	حق الزحمه حسابرسی
۱.۴۱۶۳۰۸	۰.۰۰۰۰	۱۴.۵۶۵۹۹	۰.۰۱۱۸۸۸	۰.۱۷۳۱۶۶	نسبت جریان نقد عملیاتی
۱.۰۸۵۴۴۸	۰.۰۱۳۶	۲.۴۷۲۶۵۶	۰.۰۰۰۲۵۵	۰.۰۰۰۶۳۲	فرصد رشد
۲.۱۳۵۵۱۴	۰.۰۰۰۰	-۴.۴۴۹۸۴۵	۰.۰۱۷۳۷۰	-۰.۰۷۷۲۹۳	اهرم مالی
۱.۰۳۳۸۵۷	۰.۷۳۶۶	-۰.۳۳۶۴۹۲	۰.۰۳۳۷۶۳	-۰.۰۱۱۳۶۱	نوسان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی
۲.۹۰۰۰۳۴	۰.۰۱۰۲	۲.۵۷۴۳۳۷	۰.۰۱۹۷۶۵	۰.۰۵۰۸۸۳	سودآوری
۱.۱۱۲۴۶۶	۰.۰۰۰۰	۵.۲۳۵۶۶۶	۰.۰۰۳۲۰۵	۰.۰۱۶۷۸۱	اندازه شرکت
۱.۱۶۳۳۷۰	۰.۰۰۰۰	-۱۰.۷۶۳۶۰	۰.۰۱۶۹۹۷	-۰.۱۸۲۹۴۶	دارایی مشهود
-	۰.۰۰۰۰	۱۰.۷۲۴۶۴	۰.۰۳۱۶۶۹	۰.۳۳۹۶۴۱	AR(1)
سایر آماره‌های اطلاعاتی					
			۰/۶۸		ضریب تعیین
			۰/۶۴		ضریب تعیین تعدیل شده
			۱۶/۱۳		آماره F
			۰/۰۰		سطح معناداری F
			۱/۸۹		دوربین واتسون

در بررسی معنی‌دار بودن کل مدل با توجه به این که سطح معناداری آماره F از ۵ درصد کوچک‌تر است (۰/۰۰) لذا مدل معنی‌دار بوده و فرضیه H₁ آزمون F در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است

که ۰/۶۸ درصد متغیر دسترسی به تامین مالی توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌گردد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۶۴ درصد به دست آمده است. علاوه بر این به منظور بررسی همبستگی جملات خطا باید به میزان آماره دوربین واتسون توجه نمود چون دوربین واتسون در بازه قابل قبول (۱/۵ تا ۲/۵) نبود اقداماتی در راستای رفع این مشکل انجام گردید که یکی از روش های رایج اضافه کردن وقفه مرتبه اول متغیر وابسته به عنوان متغیر توضیحی در مدل بود که بعد اضافه کردن (AR(1)) دوباره تخمین انجام پذیرفت که در همانطور که مشاهده می‌گردد دوربین واتسون چون مقدار آن ۱/۵۸ بین بازه قابل قبول قرار دارد فرض همبستگی جملات خطا رد می‌شود. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون همخطی مشاهده می‌شود همه متغیرها کمتر از ۱۰ می‌باشد از این رو مشکل همخطی در این مدل وجود ندارد. با توجه به نتایج آزمون فرضیه متغیر حق الزحمه حسابرسی با توجه به اینکه سطح معناداری آن کوچکتر از ۵ درصد هستند که نشان دهنده رابطه معنادار با دسترسی به تامین مالی دارد لذا فرضیه اصلی تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود. و از آنجایی که ضریب این متغیر منفی است پس حق الزحمه حسابرسی بر دسترسی به تامین مالی تاثیر معکوسی دارد.

همچنین متغیرهای کنترلی نسبت جریان نقد عملیاتی، فرصت رشد، اهرم مالی، سودآوری، اندازه شرکت و دارایی مشهود با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری با دسترسی به تامین مالی دارند. اما نوسان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی با توجه به سطح معناداری بزرگتر از ۵ درصد رابطه معناداری با دسترسی به تامین مالی ندارد.

بحث و نتیجه گیری

یک انگیزه برای انجام مطالعات پیرامون حق الزحمه حسابرسی نگارنی از این امر است که موسسات حسابرسی بزرگتر در نتیجه قدرت انحصاری، حق الزحمه حسابرسی بیشتری را مطالبه می‌نمایند. این موضوع بطور ضمنی بر کیفیت حسابرسی دلالت دارد زیرا فرض بر آن است که حسابرسی انحصاری تعداد تقاضاهای حسابرسی مستقل را کاهش می‌دهد و نهایتاً این امر به کیفیت حسابرسی پایین تر، و سیستم های مالی پرهزینه تر منجر می‌گردد اما بطور کلی، وجود رابطه ی مثبت بین کیفیت حسابرسی و حق الزحمه های حسابرسی با نظریه پردازی اکثر پژوهشگران اثبات شده است یعنی اگر موسسات حسابرسی بزرگتر حق الزحمه حسابرسی بیشتری دریافت می‌نمایند، این امر کیفیت بالاتر خدمات حسابرسی آنها را بازتاب می‌دهد. محققین با تکیه بر داده‌های یک مطالعه پرسشکاوای که در ارتباط با حق الزحمه‌های ۳۰۷ موسسه حسابرسی انجام شد، کوشید تا بین نظریه‌های متفاوتی که قیمت گذاری صاحبکار از خدمات حسابرسی موسسات دارای نام تجاری را تبیین می‌کند، تمایز قائل شود. در راستای کنترل مقدار عرضه حسابرسی، وی بیان می‌کند که موسسات دارای نام تجاری (به استثنای یکی از آنها) واقعا حق الزحمه های حسابرسی کمتری را می‌گیرند. یافته های سیمونیچ درجه اقتصادی تجربه ی موسسات بزرگتر و موسساتی را که قادر به صرفه جویی‌های هزینه به صاحبکاران می‌باشد، بیان می‌کند. مطالعات بعدی از یافته‌های سیمونیچ حمایت نکردند. محققین نشان داده‌اند درجه‌ی اقتصادی می‌تواند به بازار آمریکا یعنی جای که درصد بیشتر شرکتها به وسیله ی موسسات دارای نام تجاری حسابرسی می‌شوند محدود گردد. موسسات دارای نام تجاری حق الزحمه های حسابرسی بیشتری را دریافت می‌نمایند و همچنین ساعات و حق الزحمه‌های حسابرسی متناسب با اندازه موسسات حسابرسی افزایش می‌یابد. او می‌گوید که افزایش ساعات حسابرسی شده توسط حسابران دارای نام تجاری فعالیت‌های مولدتری (کسب شوهده بیشتر) را برای ارائه سطوح بالاتر تضمین کیفیت (کیفیت بالاتر) به صاحبکاران در پی دارد. استفاده از مدل‌های متفاوت، تعریف های جایگزینی از صاحبکاران موسسات کوچک، و داده ها مربوط به دوره های زمانی متفاوت، سبب تناقض در نتایج مطالعات متفاوت شده

است. رضایت صاحبکار، مشارکت در تفکیک حسابرس و بنابراین توجیه حق الزحمه حسابرس را کشف نموده اند. بررسی پرسش کاوی آنان مشخص می کند که رضایت صاحبکار از تیم حسابرسی، کنترل سایر عوامل مرتبط با حق الزحمه های حسابرسی مثل ویژگی های کیفیت حسابرسی، بطور مثبت با همبسته های حسابرسی همبسته است. این امر نشان می دهد که ترکیب تیم حسابرسی می تواند عامل مهمی در توانمندی حسابرسان دارای نام تجاری برای ارائه محصولات حسابرسی متفاوت باشد. همچنین این یافته ها آنان را به سوال درباره ی تناسب مدل های رقابتی کامل برای بازار خدمات حسابرسی رهنمون ساخت. از این رو با توجه به مطالب فوق این تحقیق به دنبال بررسی این موضوع است که آیا حق الزحمه حسابرسی بر دسترسی تامین مالی شرکت تأثیر دارد؟ جامعه آماری تحقیق کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. همچنین قلمرو زمانی شامل ۱۰ سال متوالی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ است که بررسی فرضیه های تحقیق با استفاده از داده های واقعی این سال ها انجام خواهد شد. که پس از اعمال محدودیت ۱۱۲ شرکت انتخاب گردید. با توجه به نتایج آزمون فرضیه متغیر حق الزحمه حسابرسی با توجه به اینکه سطح معناداری آن کوچکتر از ۵ درصد هستند که نشان دهنده رابطه معنادار با دسترسی تامین مالی شرکت دارد لذا فرضیه اصلی تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود. و از آنجایی که ضریب این متغیر منفی است پس حق الزحمه حسابرسی بر دسترسی تامین مالی شرکت تأثیر معکوسی دارد. حق الزحمه حسابرسی بالا به عنوان یک مکانیسم نظارتی قوی عمل می کند و به ارائه دهندگان سرمایه سیگنال می دهد که ممیزی های با کیفیت بالا انجام شده است، که به نوبه خود عدم تقارن اطلاعات را کاهش می دهد. حسابرسی یک دستگاه نظارتی برای بهبود اطلاعات موجود در مورد عملکرد یک شرکت است. در واقع هدف از حسابرسی افزایش کیفیت اطلاعات از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین تامین کنندگان سرمایه و شرکت ها است.

منابع

- ✓ توسکی، امید فرهاد، (۱۴۰۰)، رابطه بین مالکیت مدیریتی، اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی، نشریه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۴، شماره ۵۰، صص ۱۰۷-۱۲۲.
- ✓ زیوری، امینه، محمدی خیاره، محسن، مظهری، رضا، (۱۳۹۹)، مروری نظام مند بر عوامل موثر در دسترسی به تامین مالی فعالیت های کارآفرینی، فصلنامه سیاست نامه علم و فناوری، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۴۳-۵۹.
- ✓ صمدی، رضا، (۱۳۹۷)، اثر عملکرد اجتماعی شرکت ها بر هزینه بدهی و دسترسی به تامین مالی از طریق بدهی در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس ملی مدیریت، حسابداری و توسعه کسب و کار، ساری.
- ✓ فتحعلیان، مریم، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه دسترسی به منابع تأمین مالی (مالکان و بدهی) با رشد شرکت ها، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی غیر دولتی غیر انتفاعی کار، دانشکده علوم انسانی.
- ✓ فشکی، محمدرضا، ترکاشوند، محمد. (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر کیفیت کارمندان حسابداری بر حق الزحمه و محتوای گزارش حسابرسی، نشریه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۵، شماره ۵۷، صص ۵۹-۷۲.
- ✓ محمدی، پریسا، رجایی زاده هرنندی، احسان، عشوری، جابر، (۱۴۰۰)، تأثیر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۴، شماره ۴۷، صص ۹۰-۱۰۹.
- ✓ میرزابابی، سروش، (۱۳۹۵)، تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر هزینه بدهی و دسترسی به تامین مالی بدهی در شرایط محدودیت مالی در شرکت های بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی، دانشکده علوم پایه و فناوری های نوین.

- ✓ نامنی، سیاوش، (۱۳۹۴)، فشار ناشی از حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خاتم، دانشکده اقتصاد و حسابداری.
- ✓ یونسی مطیع، فاطمه. (۱۳۹۵). بیش اطمینانی مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده حسابداری و مدیریت.
- ✓ Alrashidi, R., Baboukardos, D., Arun, T. (2021). Audit fees, non-audit fees and access to finance: Evidence from India, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 43, <https://doi.org/10.1016/j.intaccaudtax.2021.100397>.
- ✓ Alzoubi, E. (2018). Audit quality, debt financing, and earnings management: Evidence from Jordan. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 30, 69–84. <https://doi.org/10.1016/j.intaccaudtax.2017.12.001>.
- ✓ Antle, R., Gordon, E., Narayanamoorthy, G., & Zhou, L. (2006). The joint determination of audit fees, non-audit fees, and abnormal accruals. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 27(3), 235–266. <https://doi.org/10.1007/s11156-006-9430-y>.
- ✓ Baker, M., Stein, J. C., & Wurgler, J. (2003). When does the market matter? Stock prices and the investment of equity-dependent firms. *Quarterly Journal of Economics*, 118(3), 969–1005. <https://doi.org/10.1162/00335530360698478>.
- ✓ Bakke, T. E., & Whited, T. M. (2010). Which firms follow the market? An analysis of corporate investment decisions. *Review of Financial Studies*, 23(5), 1941–1980. <https://doi.org/10.1093/rfs/hhp115>.
- ✓ Belina, H. (2022). “Surprise” material weakness disclosures: Effects on audit fees and audit report lags, *Journal of Accounting and Public Policy*, <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2022.106979>
- ✓ Bollaert, H., Florencio Lopez-de-Silanes, Armin Schwienbacher. (2021). Fintech and access to finance, *Journal of Corporate Finance*, 68, <https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2021.101941>
- ✓ Cai, Y., Li, M. (2022). CEO-CFO tenure consistency and audit fees, *Pacific-Basin Finance Journal*, 73, <https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2022.101779>
- ✓ Chakrabarti, R. (2005). Corporate governance in India – Evolution and challenges. Working Paper..
- ✓ Chen, H., Chen, J. Z., Lobo, G. J., & Wang, Y. (2011). Effects of audit quality on earnings management and cost of equity capital: Evidence from China. *Contemporary Accounting Research*, 28(3), 892–925. <https://doi.org/10.1111/j.1911-3846.2011.01088.x>.
- ✓ Chen, L & Krishnan, G & Pevzner, M. (2012). "Pro Forma Disclosures, Audit Fees, and Auditor Resignations." *Journal of Accounting & Public Policy*; Vol. 31 Issue 3, pp.237-257.
- ✓ Cheng, B., Ioannou, I., & Serafeim, G. (2014). Corporate social responsibility and access to finance. *Strategic Management Journal*, 35(1), 1–23. <https://doi.org/10.1002/smj>.
- ✓ Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal of Accounting and Economics*, 39(2), 295–327. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2004.06.003>.
- ✓ Gray, S. J. (1988). Towards a theory of cultural influence on the development of accounting systems internationally Retrieved from. *Abacus*, 24(I), 1–15.
- ✓ Gupta, G., Salter, S. B., & Lewis, P. A. (2019). Do accounting values influence accounting actions? Evidence from India and the US. *Journal of Theoretical Accounting Research*, 15(1), 105–143.
- ✓ Iatridis, G. E. (2013). Environmental disclosure quality: Evidence on environmental performance, corporate governance and value relevance. *Emerging Markets Review*, 14(1), 55–75. <https://doi.org/10.1016/j.ememar.2012.11.003>.

- ✓ Joshy, J., Desai, N., & Agarwalla, S. K. (2015). Are Big 4 audit fee premiums always related to superior audit quality? Evidence from India's unique audit market Retrieved from. Working Paper, 1–31.
- ✓ Kaplan, S. N., & Zingales, L. (1997). Do investment-cash flow sensitivities provide useful measures of financing constraints ?. *The Quarterly Journal of Economics*, 112(1), 169–215. <https://doi.org/10.2307/2951280>.
- ✓ Lamont, O. A., Polk, C., & Saa-Requejo, J. (2001). Financial constraints and stock returns. *The Review of Financial Studies*, 14(2), 529–554. <https://doi.org/10.2139/ssrn.113336>.
- ✓ Mohapatra, P, S., Elkins, H., Lobo, G, J., Chi, W. (2022). The impact of PCAOB international registration on audit quality and audit fees: Evidence from China, *Journal of Accounting and Public Policy*, <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2022.106947>
- ✓ Palmrose, Z.-V. (1988). An analysis of auditor litigation and audit service quality. *The Accounting Review*, 63(1), 55–73.
- ✓ Simunic, D. A. (1984). Auditing, consulting, and auditor independence. *Journal of Accounting Research*, 22(2), 679–702. <https://doi.org/10.2307/2490671>.
- ✓ Tsipouridou, M., & Spathis, C. (2012). Earnings management and the role of auditors in an unusual IFRS context: The case of Greece. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 21(1), 62–78. <https://doi.org/10.1016/j.intaccaudtax.2012.01.005>.